



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

شماره مجوز مجله: ۸۰۴۰۰

زمان چاپ: ۱۴۰۱/۰۴/۱۰

نگاهی به پیشینه و عناصر شکل دهنده باغ ایرانی

الهام پرهوده^۱، سبحان پرهوده^۲

۱- کارشناس ارشد مهندسی معماری واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران

۲- کارشناس ارشد مهندسی معماری واحد خوراسگان، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران

e.parhoode@yahoo.com

چکیده

باغ ایرانی به سبب شکل‌گیری مفهوم‌وار، سابقه و پیشینه و همچنین به دلیل ویژگی‌های شاخص که در آن قابل‌بازشناسی است تعاریف خاص خود را داراست، بخصوص که بدانیم در این موضوع دیدگاه‌هایی چند وجود دارند که گاه از جنبه‌هایی با همدیگر متفاوتند. باغ طبیعتی است برخاسته از ذهن و پرداخته به دست انسان، فضای خرم و رنگینی است، آراسته و پیراسته و تابع شرایط محیط که در شکل یا بیان ذوق، سلیقه، مهارت، فرهنگ و تصمیم انسان نقش اساسی دارد. در این راستا گاه کسانی که سعی در ارائه تعاریفی بر اساس شکل و اجزاء باغ نموده‌اند و کسان دیگری ایده کلی و مفهوم باغ را دستمایه خود قرار داده‌اند و البته برخی نیز کوشش نموده‌اند تا تعریفی از باغ ارائه دهند که پیونددهنده دیگر دیدگاه‌ها باشد. هدف از این مقاله گردآوری و ارائه معانی مرتبط با ادبیات باغ در لغت‌نامه‌ها و فرهنگ‌ها و نیز بیان عناصر و ارکان‌های به وجود آورنده باغ ایرانی است و همچنین سعی در ارائه تعاریف موجود باغ ایرانی و آغاز راهی برای بحث و بررسی پیرامون این موضوع است که بتواند به تعاریفی مدرن‌تر و دقیق‌تر از آن دست یافت.

باغ ایرانی را می‌توان متشکل از چهار عنصر اصلی (زمین)، (آب)، (گیاه) و (فضا) دانست، که وقتی در منظومه فکری معماری ایرانی و با چهارچوب مفهوم و ایده باغ در کنار هم قرار می‌گیرند (باغ) را شکل می‌بخشند. در حقیقت باغ ایرانی ترکیبی از هندسه، نظام فضایی و عناصر چهارگانه تشکیل دهنده باغ هستند که با تلفیق باهم، باغ‌سازی ایرانی معنی یافته، باغ‌سازی که روایتی هندسی از موضوع مورد نظر همچون زمین، آب و گیاه است.

کلمات کلیدی: باغ، باغ ایرانی، پیشینه باغ، عناصر باغ ایرانی، هندسه



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

1- مقدمه

انسان کاشف طبیعت و عامل برقراری تداوم و پایداری بقاء و عاملی در تجلی امکانات و استعدادهای نهانی طبیعت شناخته شده و اوست که با تصوردرطبیعت، رازهای نهانی خود را آشکار ساخته و گه‌گاه از چهره به ظاهر خصمانه و شرارت آلودش، زیبایی، صفا و صمیمیت می‌تراود. در این فلسفه روابط انسان و طبیعت به صورت یکپارچه مشاهده می‌شود و انسان نه جزئی جداشدنی از طبیعت و نه حاکم مافوق آن است. طبیعت کلیت و مظهر تجلی وجود است، مقام خاص و مقدسی دارد و در آن همه چیز در حالت نظم و تعادل قرار دارد. در باغ - این طبیعت از پیش اندیشیده - رابطه انسان و طبیعت در نهایت هماهنگی است. باغ به کمک اشکال منظم هندسی، رابطه میان طبیعت و دنیای درونی تصور می‌شود. باغ مفهوم عرفانی و مذهبی طبیعت و نظم جهانی را منعکس و مفاهیم فضاها را مطرح می‌کند.

در باغ، خواه طبیعی و خواه ساخته دست انسان، آدمی با محیط اطراف خود در صلح و صفا بود. در باغ، انسان و طبیعت در همسویی کامل بودند. زمین وحشی و عقیم، در باغ به کمال مقدر خویش دست می‌یافت. قرآن کریم در آیه‌های متعددی، خوشی‌های بهشت را توصیف می‌کند. شادی و لذت عمیق کسانی را که به خدای خویش ایمان آوردند و سرانجام آرامش، برکت و آسایش یافتند و برای همیشه در باغ‌هایی جای گرفتند که آب از زیر آنها جاری است. در سایه‌های خنک و برای همیشه، آراسته به چشمه‌های سرشار.

باغ ایرانی نه تنها جای امن و آرام که در عین حال جایی است برای تفکر آرام یا مذاکرات فلسفی. جایی است برای تأمل و تحقیق، جایی که روح خسته آدمی می‌تواند تازه شود و آرامش یابد و منظره‌های تازه بر او مکشوف گردد. آرمان باغ بسیار نیرومند و با دوام بود. هر شهر و هر قصری باغ‌هایی داشت که بسیاری از آنها عمومی بودند. (عکس شماره 1) همه آنها برای مراسم نوروز باز بودند. کلاریخو توصیف می‌کند که جاده‌های زیبا دارای محوطه‌های باز بودند به صورت چهارراه‌های بزرگی که در میان آنها، آب‌نمایی برای نوشیدن آب وجود داشت و میدان مرکزی یک پارک بزرگ بود، گرداگرد آن درختان تبریزی بلند با آلاچیق پوشیده از یاسمن و گل سرخ.

بی‌شک آرمان باغ در همه هنرها به طور کامل نفوذ کرده است. از نقوش ختایی در کاشی کاری و گچکاری گرفته تا هنر بافت فرش‌های بزرگ، همه آفرینش‌های شاعرانه و مجسم‌کننده گل و گیاه کامل بهشت است. نیلوفر آبی در سراسر اعصار و در تمامی آسیا یک نماد مقدس آسمانی بود. آرایش معماری در سراسر اعصار منحصر به گل و گیاه بوده و می‌باشد.



شکل شماره (۲): نقوش باغ و درخت در تخت جمشید



شکل شماره (۱): نمونه باغ ایرانی در ترکیب با کوشک میان



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

۲- پیشینه تاریخی باغ ایرانی

باغ ایرانی بیشتر حاکی از نیازهای روحی و متناسب با نیازهای آب بوده است. از زمان‌های قدیم بخش اساسی از زندگی ایران و معماری آن بوده و در موجودیت آتشکده‌های بزرگ و تقویت نمادین آن‌ها، سهم داشته است. از زمان سومریان، باغ، معبد و قصر سلطنتی را احاطه میکرد. بی‌شک باغ در چنین اقلیم خشکی همه چیز از آسایش و زیبایی داشت تا عرضه کند. ولی هنگامی که مبارزه به خاطر زنده ماندن بیش از لذت شخصی اهمیت داشت. این یک موضوع فرعی بود. از آن جا که همه چیز را از مشیت خداوند می‌دانستند. دعا ضرورت داشت.

زندگی در ایران به آب وابسته و در واقع آب عامل اصلی زندگی است. ایرانیان به منظور بهره‌گیری نسبی از منابع آب، با قدرت تخیل و ابداع، چاره‌اندیشی کرده بودند و کاریهایی عمیق که از ۸۰ الی ۱۶۰ کیلومتر طول داشتند. حفر می‌نمودند. حتی در ۳۵۰۰ سال پیش از میلاد، آرایش سفال پیش از تاریخ، علاقه شدید به آب و حاصلخیزی را نشان می‌دهد. این نقش‌های کهن، همه عناصر آن را به صورت واقعی یا نمادی، ثبت کرده‌اند: کوه، ابر، برکه، جنگل، پرندگان آبی و درختان که هدف عمده از آنها دریافت پاسخ مساعد از قدرت‌های آسمانی بود. در سفال سامرا، طرح نمونه‌وار باغ دیده شده است؛ به صورت دو نهر متقاطع با پرندگان و درختان در هر یک از چهار گوشه. در مفرغ‌های لرستان (حدود ۱۰۰۰ قبل از میلاد). باز درخت را همراه با آب روان ترسیم کرده‌اند که مطلوبترین منظره در یک سرزمین خشک است. پس از آب، درختان مهمترین نقش را در شکل‌گیری باغ ایرانی دارند. ایرانیان قدیم معتقد به فرشته مقدسی بودند به نام (اوروزا) که صدمه زدن به گل و گیاه، موجب ناراحتی و خشم او می‌شد.

کوروش کبیر در سارد، باغ بزرگی ساخته و به دست خود در آن درخت کاشته شد. گزنفون در کتاب خود به نام (اکونومیگوس) نقل کرده است که کوروش شخصاً لیزاندر را به تماشای باغ خود در سارد برده است که: لیزاندر از مشاهده زیبایی درخت‌ها، نظم و دقت فواصل آنها و مستقیم بودن ردیف‌ها و زاویه‌ها و روایح معطر و متعددی که هنگام گردش به مشام آن دو می‌رسیده، تحسین و تمجید می‌کند.

باغ‌های هخامنشی دارای طرح‌های مستطیل دقیق با خیابان‌ها و درختان متقاطع بود. سنگ نگاره‌های به جا مانده از دوران هخامنشی با درختان راست قامت، به خوبی اهمیت باغ در میان ایرانیان و نیز نظم هندسی موجود در باغ‌های ایرانی را نشان می‌دهند. (عکس شماره ۲)

باغ در عصر شاهنشاهی ساسانیان نیز بر پایه اصول گذشته شکل می‌گیرد: ترکیب هندسی منظم، میان اسه اصلی، خیابان‌های عمود برهم و کرت‌های راست گوشه، باغ‌ها بسیار وسیع بودند و با دقت طراحی و مراقبت می‌شدند: گاه نزدیک به ۲۵ کیلومتر مربع مساحت داشتند. باغی که توسط خسرو پرویز پس از هفت سال کار ایجاد شد، اصلاحی جسورانه و زیبا در محیط بود. در دوران اسلامی، باغ‌های انبوهی کاخ را احاطه می‌کرد و از لحاظ معماری به صورت بخشی از آن در نظر گرفته می‌شد، به صورتی که باغ تمامی جوانب اصلی بنا را به صورت قرینه فرا می‌گرفت. سراسر محوطه به قطعات مستطیلی تقسیم می‌شد که از میان آنها جوی‌های کوچکی می‌گذشت. این باغ‌ها به پیروی از پیشینیان ایرانی ساخته می‌شدند. از همان سده‌های نخستین هجری، باغ‌سازی به شیوه ایرانی به فراسوی مرزها می‌رود و به مرور زمان گستره خود را وسیع‌تر می‌کند. باغ‌های زیبای آندلسی (الحمرا) و باغ‌های باربری کشمیر نمونه‌هایی از باغ‌هایی هستند که تحت تأثیر باغ‌سازی ایرانی شکل گرفتند. شیوه باغ‌سازی در کشورهای شرقی از باغ‌سازی ایران الهام گرفته است.

بابرشاه از شاهان مغولی حاکم بر هند شیوه باغ‌آرایی ایرانی را به سرزمین هند برد و باغ‌هایی در آگرا واقع در شمال هند احداث کرد که معدودی از آنها تا به امروز موجود است و سپس جهانگیر یکی از جانشینان وی چندین باغ در منطقه کشمیر ایجاد نمود.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

در کتاب تاریخ تمدن - عصر ایمان - ویل دورانت آمده که باغ به سبک ایرانی مورد تقلید سایر ملل نیز قرار گرفت و هم در بین اعراب و مسلمین و هم در هندوستان رواج یافته است و در قرون وسطی موجب الهام اروپائیان گردیده است. در اروپای قرون وسطایی که در شهرها به باغ عمومی و فضای سبز مفهومی نداشت، بیشتر شهرهای ایران در محاصره باغ‌های سرسبز و انبوه که پناهگاهی برای آسایش ساکنان آنها بوده است و از نظر زیبایی، طراوت و داشتن باغ‌های بزرگ و بی‌شمار در دنیای آن روز به خود می‌بالیده‌اند.

۳- تعاریف باغ و باغ ایرانی

در دوره هخامنشیان و پس از آن در سرتاسر سرزمین ایران، تعداد بی‌شماری باغ‌های بزرگ و باشکوه وجود داشته، چنانکه گزنفسون چندین بار به آنها اشاره نموده است. این‌گونه باغ‌ها که در یونان آن زمان وجود نداشت، مردم آن سامان و دیگر کشورها را جالب نظر آمد و همان واژه فارسی را نیز بکار بردند. این واژه در زبان یونانی و در زبان انگلیسی به صورت به معنی بهشت بکار برده می‌شود. بنابه گفته گزنفسون، چهار قرن و نیم پیش از میلاد، در لیسریا باغی زیبا و Paradise بزرگ می‌بوده که بنام (پارادیس) خوانده می‌شده است. باغ‌های معلق بابل نیز که بوسیله بخت‌النصر بخاطر همسر ایرانی وی، دختر فرمانروای ماد، احداث شده‌اند بر طبق همان اصول طرح پارادیس ایجاد گردیده، به طوری که از نظمی خاص و الگویی مناسب برخوردار و تا زمان اسکندر هم برجای مانده بوده‌اند.

واژه پارادیزا در اوستا دوبار بکار برده شده و از دو جزء ترکیب یافته: به معنای پیرایدن دیگری به معنای انباشتن و دیوار کشیدن، که بر روی هم به معنای درخت کاری و گل کاری پیرامون ساختمان می‌باشد. نام دیگر این فضای سبز (باغ) است، واژه‌ای فارسی که در زبان پهلوی نیز به همین شکل بکار برده شده است. علی‌اکبر دهخدا درباره واژه پردیس می‌نویسد: (پردیس لغتی است مأخوذ از زبان مادی (پارادیزا) به معنی باغ و بستان و از همین لغت است پالیز فارسی (پاورقی) و فردوس (معبر...))

در فرهنگ ناظم‌الاطباء نیز باغ چنین تعریف شده است: محوطه‌ای که نوعاً محصور است و در آن گل و ریاحین و اشجار مثمر و سبزی آلات و جز آنها عرنس و زراعت می‌کنند.

در کتاب فارسانمه ابن‌بلخی که بین سالهای پانصد تا پانصد و ده هجری تألیف شده است، سلسله‌های پیش از اسلام را بنا به روایت قدیم به چهار سلسله بنام پیشوادیان، کیانیان، اشکانیان و ساسانیان بر شمرده است، مؤلف این کتاب، (منوچهر پسر میشخوریار) را که هفتمین پادشاه پیشدادی است نخستین کسی می‌داند که در جهان به احداث باغ و بستان پرداخته و می‌نویسد: (آثار او آنست که اول کسی که باغ ساخت او بود و ریاحین گوناگون کی بر کوهسارها و دشت‌ها رسته بود جمع کرد و بکشت و فرمود تا چهار دیوار گرد آن در کشیدند و آنرا بوستان نام کرده یعنی معدن بدیها).

یعقوب دانش دوست، تعریف تا اندازه زیادی فراگیر در رابطه با (باغ) دارد: (باغ جایگاهی است برای استفاده انسان که حامل ترکیب عناصر معماری، درخت کاری، گل کاری تزئینی و جلوه آب بوده و در رابطه با سلیقه و فرهنگ مردم و شرایط اقلیمی هر سرزمین شکل گرفته است.) (دانش دوست، ۱۳۶۹)

تعاریف گوناگونی از باغ ایرانی در عصر حاضر وجود دارد که هر یک دید خاصی در مورد باغ داشته‌اند. مرحوم دکتر محمدکریم پرنیا، باغ ایرانی را بییوند فرخنده زیبایی و سودمندی می‌نامد. یعقوب دانش دوست باغ ایرانی را چنین تعریف می‌کند: (باغ ایرانی باغی است که از ترکیب عناصر معماری، درخت کاری، گل کاریهای تزئینی و جلوه‌های گوناگون آب بوجود آمده و این شکل‌گیری در رابطه با سلیقه و فرهنگ ایران است.) (پرنیا، ۱۳۷۳)

در فرهنگ فارسی امروز، تألیف غلامحسین صدیقی افشار باغ چنین تعریف شده است: (زمین دارای حدودی اختیاری که در آن درختان میوه یا گل کاشته شده است. (و یا خانه‌ای که دارای حیاط وسیع پرگل و درخت است.)



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

مرحوم لطیف ابوالقاسمی نیز تعاریف متعددی از باغ را ارائه نموده است: (باغ طبیعی است برخاسته از ذهن و پرداخته به دست انسان، فضای خرم و رنگینی است، آراسته و پیراسته و تابع شرایط محیط که در شکل یا بیان ذوق، سلیقه، مهارت، فرهنگ و تصمیم انسان نقش اساسی دارد...) (ابوالقاسمی، ۱۳۷۵)

تعریف دیگر وی از باغ ایرانی چنین است: (باغ ایرانی از ترکیب ساده و موزون، رابطه صحیح و استوار، سلسله مراتب حساب شده، منطق عقلانی، نظام هندسی مشخص، آسه بندی‌های منظم، خطوط عمود برهم، تخت کرت‌های چهار ضلعی، تقسیمات متعادل، گذرگاههای مستقیم با هدف که به گاه نیاز با گشادگی فضایی می‌آمیزند، شبکه مترنم جهت‌دار آب که در فضاهای باز و پوشیده وسعت یافته و به چهره آسمان و آسمانه لبخند شادمانه می‌زند، تشکیل یافته است.) وی باغ ایرانی را اثر هنری زیبا، چند منظوره و عملکردی می‌داند. (عکس شماره ۳)



شکل شماره (۳) : نظام هندسی و خطوط عمودبرهم باغ ایرانی

شکل شماره (۴) : باغ در شیب زیاد زمین

۴- عناصر باغ ایرانی

باغ ایرانی در پی ترکیب عناصر اصلی شکل دهنده آن در یک دستگاه و منظومه فکری شکل می‌گیرد و در این میان برخی عناصر فرعی به قوام هرچه بیشتر نتیجه این ترکیب و تعریف کمک می‌نمایند. اگر بخواهیم به تعریفی دقیق تر از عناصر اصلی باغ نزدیک شویم باید درجه اهمیت و لزوم حضور هر یک از عناصر را مورد نظر قرار دهیم. به این اعتبار عناصر اصلی، عناصری دانسته می‌شوند که بی حضور آنها شکل گیری باغ غیر ممکن است. این عناصر که شامل چهار عنصر (زمین)، (آب)، (گیاه) و (فضا) هستند وقتی در منظومه فکری معماری ایرانی و با چهارچوب مفهوم و ایده باغ در کنار هم قرار می‌گیرند (باغ) را شکل می‌بخشند. در این مسیر عناصر دیگری نیز ممکن است در شکل گیری باغ مورد استفاده قرار گیرند که یا عناصری فرعی به شمار می‌آیند و یا بخش‌هایی جزئی و جلوه‌هایی از حضور عناصر اصلی باغ‌اند

در رابطه با زمین که یکی از عناصر اصلی باغ است به جز شکل و موقعیت کلی، عوامل و ویژگی‌های دیگری همچون جنس خاک، شیب و اختلاف سطح، قابلیت آبیاری و حاصلخیزی نیز اهمیت دارد. بعنوان مثال یکی از علل اصلی احداث باغ در زمین‌های شیب دار که نمونه‌های آن زیاد به چشم می‌خورد، امکان حرکت آب در میان باغ به شکل طبیعی است. باغ ایرانی ممکن است در یک سطح با شیب ملایم و یا زیاد ساخته شود و در صورت قرارگیری در زمینی با شیب زیاد، معمولاً شکل باغ



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

تحت تأثیر شکل زمین قرار گرفته و در چند سطح ساخته می‌شود. در این حالت امکان ایجاد آبشره و آبشار میسر خواهد بود. (عکس شماره ۴)

آب نیز که از عناصر اصلی باغ ایرانی است دست کم از سه جنبه مفهومی، کارکردی و زیباشناختی در باغ حضور دارد. این جنبه‌ها در مباحثی همچون نحوه حضور آب در باغ و چگونگی گردش و حرکت آن، منابع تأمین آب و آبیاری باغ براحتی قابل پیگیری هستند. در بیشتر موارد قنات‌ها و یا چشمه‌ها منبع اصلی تأمین آب باغ بوده‌اند و در بسیاری از موارد میزان آب و نحوه مدیریت و تقسیم آن در گذشته که معمولاً نیز بسیار دقیق صورت می‌پذیرفته تعیین کننده مساحت باغ بوده است. طریقه آبیاری باغ‌ها که خود در ارتباط مستقیم با شکل و نوع زمین بوده در باغ ایرانی و شکل آن قابل توجه و بررسی است و البته با توجه به کمبود آب در بیشتر نقاط سرزمین ایران و همچنین قداست و احترامی که آب همواره در گذشته از آن برخوردار بوده و علاقه وافر ایرانیان در بکارگیری آب در باغ باعث شده تا آنها آب را به شیوه‌های گوناگون در باغ به حرکت آورده و بر زیبایی و لطافت آن بیفزایند. (دانش دوست، ۱۳۶۹)

گیاهان در باغ ایرانی گذشته از جنس و گونه، از نظر محل قرارگیری، طرح کاشت، زیبایی و سودمندی بسیار قابل ملاحظه هستند و حتی در حفاظت باغ در مقابل عوامل طبیعی مخرب نقش ایفا می‌کنند. گیاهان در باغ ایرانی با اهداف متفاوتی از جمله سایه اندازی، محصول دهی و تزئین باغ و ... بکار می‌روند و از آنجا که سودمندی یکی از اصلی‌ترین ویژگی‌های باغ سازی ایرانی است، بیشترین حجم گیاهان باغ، درختان میوه و پس از آن درختان سایه افکن تشکیل می‌دادند، به همین نسبت گیاهان تزئینی به میزان کمتری در باغ به چشم می‌آیند. (خلیقی، ۱۳۷۹)

آخرین حلقه از عناصر چهارگانه باغ ایرانی فضا یا فضای معمارانه است که با ارائه تعریفی از باغ هرآنچه مربوط به آن می‌شود را به نظم معمارانه خود در می‌آورد و عرصه‌ها و بخش‌های داخل و بیرون باغ را شکل می‌بخشد. در این ارتباط، بناها، محوطه سازی‌ها، فضای داخلی باغ، عناصر تزئینی و ارتباط آب و گیاه و زمین با بناها نیز مد نظر قرار می‌گیرند. در باغ ایرانی بناها (فضاهای بسته) و فضای باز باغ باهم تلفیق گردیده و جدای از یکدیگر نیستند و حتی شاهد آنیم که آب نیز حضور و جریان خود را در میانه بناها اعلام می‌نماید.

چنانچه پیشتر نیز عنوان گردید عناصر فرعی باغ بیشتر شامل عناصری می‌گردند که جلوه‌هایی از حضور عناصر اصلی باغ‌اند و در هر کدام از عناصر اصلی می‌توان این جلوه‌ها و عناصر فرعی را همچون عناصر تزئینی، استخرها، حوضها و ... دنبال کرد.

۵- هندسه ، ساختار و نظام

باغ‌های ایرانی ترکیب و شکلشان را از تعریف هندسی و ساختاری خود و از تطبیق نظام‌های پایدارشان یافته‌اند. هندسه همچون نقشی که در شکل‌گیری معماری ایرانی دارد شالوده شکل‌گیری باغ نیز به‌شمار می‌آید، تا آنجا که مهم‌ترین ویژگی و شاخصه باغ ایرانی فضای به‌غایت هندسی، منظم و از پیش طراحی آن‌ها است. این شالوده هندسی در انتزاع مفاهیم، مبانی و عناصر شکل‌دهنده باغ و نحوه ترکیب این عناصر و اجزاء که در نهایت به‌ارایه شکل کلی آن می‌انجامد نقش دارد.

از سویی دیگر مجموعه‌ای از نظام‌ها را نیز می‌توان باز شناخت که در شکل‌گیری باغ مؤثرند. این نظام‌ها مجموعه‌ای از قاعده‌ها و اساس فکری، آداب طراحی و نحوه زندگی و حیات مردمان تا روش‌های نظم‌بخشی به فضاها را شامل می‌گردند. برخی از این نظام‌ها همچون نظام مالکیت زمین، نظام اقتصادی و معیشتی و نظام اجتماعی، فراتر از آنکه بر شکل‌گیری باغ تأثیر می‌گذارند، شکل کلی سکونت‌گاه‌ها و محیط‌های انسانی را تعیین می‌کنند و برخی از آن‌ها بیشتر مختص شکل‌گیری فضاهای معمارانه و آنچه بیشتر مورد توجه ما است یعنی باغ می‌گرداند. مجموعه این نظام‌ها هنگامی که در ارتباط با هم قرار می‌گیرند و یا صحیح‌تر اینکه بگوییم بر هم منطبق می‌گردند، با مدد از آن‌چه از محیط طبیعی و مصنوع در اختیار می‌گیرند و با در نظر داشتن اصول، هندسه و هنرهای معماری ایرانی در محدوده‌ای تعریف شده نمادی از فردوس برین را شکل می‌بخشند. اگر صحبت و بررسی آن مجموعه نظام‌هایی که همچون نظام اقتصادی و نظام اجتماعی در سطحی کلان و در



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

عرصه زیست مردمان تاثیر گذارند را به فرصتی دیگر واگذاریم و امید داشته باشیم که بتوانیم نقش آنها را در شکل گیری باغ مورد کنکاش قرار دهیم که در جای خود بسیار با اهمیت است، باید به مجموعه ای از نظامها همچون نظام اقتصادی، نظام کارکردی، نظام آبیاری و نظام گیاهی و همچنین نظام استقرار سخن به میان آوریم. (پیرنیا، ۱۳۷۳)

هر کدام از این نظامها، اصول و قواعد مدرن اما نانوشته ای بوده است که تعریف، طرح ریزی، شکل ریزی و شکل گیری بخشی از باغ را در ارتباط با دیگر بخشها به سامان می رسانده، تا آنجا که هیچ باغ ایرانی شکل نگرفته مگر آنکه مجموعه این نظامها تحت ساختار و هندسه کلی و نیز هنجار شکل بخشی فضای معماری ایرانی، عناصر و اجزاء و عرضهها را بطور توأمان در نظم خود آورده باشد. آنچه تذکر آن بجاست توجه به این نکته است که آنچه نظامهای باغ دانسته می شوند، به مانند اصول معماری ایرانی که قابل بازشناسی اما غیر قابل تفکیک اند، نه فقط مفاهیمی جدای از هم بلکه جلوهها و وجوهی از تعریف مفهوم وار باغ اند و در اصل خود، جزء بخشی از تعریف یکپارچه از موضوع دانسته می شوند. بدیهی است که این مجموعه نظامها، ابزار امروز ما برای شناخت هر چه دقیق تر باغ هستند و تصور اینکه هر کدام از آن ها به تنهایی وجود خارجی داشته باشند چندان صحیح نیست. شاید بتوان گفت این نظامها که در ارتباط با هندسه و ساختار فضایی معماری هستند، باغ سازی ایرانی معنی می یابند و روایتی هندسی از موضوع مورد نظر همچون زمین، آب و گیاهند.

۱-۵- هندسه

هندسه اساس هنر و معماری ایرانی است و رد آن را از هنر و صنایع دستی و نقشهای تزیینی همچون کاشی کاری و تا فضاهای عظیم معماری می توان دنبال کرد. این نگرش زاده دید مفهوم وار ایرانیان به اندیشه، هنر و محیط انسانی است و می توان آن را در فهم مردم ایرانی از جهان و چهارسویی که برای آن قایل اند به نظاره نشست. این نگرش هندسی گستره ای از معماری ایرانی از زیبایی و زیبایی شناسی و تا ساختارها و شالودهها را شامل می گردد. تاثیر ساختاری هندسه از معماری ایرانی خود پهنه وسیعی از تعریف و شکل گیری فضایی و تا مسایل نیایشی و استاتیکی را تحت تاثیر قرار می دهد. این تاثیر گذاری در باغ ایرانی که در پیوند فضاهای بسته و باز شکل می گیرد در تمامی عرصهها به چشم می خورد و ما در باغ گذشته از شکل گیری هندسی فضاها شاهد آن هستیم که فضاهای باز و عرصه های طبیعی نیز به نظم درآمده و با هندسه قوام می گیرند.

ساختارهای هندسی در باغ به ابعاد و تناسبات کلی، حصارها، محورهای اصلی و فرعی، ردیف درخت کاری، جوی های آب و نحوه حضور و عبور آب و به طور کلی به هندسه مسلط در باغ می پردازد. این ساختارها در عین حال حامل شالودهها و بنیان های شکل بخشی مجموعه از ایدهها و مفاهیم اولیه تا به شکل نهایی باغ است و به همان اندازه که اصول هندسی در معماری ایرانی واجد اهمیت هستند در شکل بخشی به مفهوم باغ ایرانی نیز نقش دارند.

۶- نتیجه گیری

شعر و ادب و هنرهای ایران، خواه از زمان هخامنشیان و خواه دوره سامانیان و دوره اسلامی، همواره سرشار از احترام و علاقه به طبیعت بوده است. یکی از نموده های معماری شده طبیعت، باغ ایرانی است. باغ همواره جایگاهی برای آرامش روح و آسودن روان انسان بوده و هست. جایی است برای تأمل و تحقیق، جایی که روح خسته آدمی می تواند تازه شود، آرامش یابد و منظره های تازه بر او مکشوف گردد. در ایران از دیرباز این فضا دارای اهمیت و منزلت خاص خود بوده است و در معماری شهرها، آتشکده ها و قصرها جایگاه ویژه ای داشته است. در دنیای کنونی تعاریف گوناگونی از باغ وجود دارد که یکی از بهترین آن ها نقلی از مرحوم پیرنیا است که باغ ایرانی را بیپوند فرخنده زیبایی و سودمندی می نامد. باغ های ایرانی متشکل از چهار عنصر اصلی (زمین)، (آب)، (گیاه) و (فضا) هستند که وقتی در منظومه فکری معماری ایرانی و با چهارچوب مفهوم و ایده باغ در کنار هم قرار می گیرند (باغ) را شکل می بخشند. عناصری که هر کدام بر دیگری اثر گذار و از یکدیگر تاثیر پذیرند.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر



باغ سازی ایرانی زمانی تحقق می یابد که این عناصر چهارگانه در ترکیب با هندسه و نظام فضایی قرار گیرد . باغ سازی که راوی تلفیق هندسه ، نظم ، گیاه و آب است

مراجع

۱. ابوالقاسمی، لطیف، باغ ایرانی ، نشر سازمان پارک ها ، تهران ، ۱۳۷۵
۲. پیرنیا، محمدکریم، باغ های ایرانی، نشریه آبادی سال چهارم شماره پانزدهم، زمستان ۱۳۷۳
۳. حریری، ناهید، گیاه شناسی سیستماتیک، انتشارات مجتمع آموزش عالی ابوریحان، دانشگاه تهران، سال ۷۷-۱۳۷۶
۴. خلیقی، احمد، گلکاری، پرورش گیاهان زینتی ایران، چاپ ششم، انتشارات روز جهان، ۱۳۷۹
۵. دانش دوست، یعقوب، باغ ایرانی، مجله اثر شماره ۱۸ و ۱۹، ۱۳۶۹
۶. قهرمان احمد، فلور رنگی ایران، جلد ۸-۱، انتشارات موسسه تحقیقات جنگلها و مراتع، ۱۳۶۳
۷. وزیر، غلامعلی، درختکاری عملی، نشر: روزبهان، ۱۳۶۳
۸. یارایی، امین، گیاهان پهن برگ مقاوم به شرایط نامساعد، سازمان پارکها و فضای سبز شهر تهران، ۱۳۷۵